

روستازاده دانشمند جزیره

بهروز عباسی
مستندساز و پژوهشگر

اقتصاد سرآمد - او را سه سال پیش در موزه مردم شناسی روستای دیرستان جزیره قشم ملاقات کردم؛ از همان لحظه، شیفته نگاه و فلسفه اش به زندگی شدم. استاد محمد زبیری برای من یک الگو است. او در میان خستگی ها و تنهایی ها توانست بخش مهمی از فرهنگ جزیره کهن قشم را - که در حال فراموشی بود - ثبت و زنده نگاه دارد.

کتاب ارزشمند گنز بپو (کنج پدر بزرگ) به درستی گنجی است که هر چه زمان بگذرد، جامعه بیشتر به اهمیت او پی می برد. این اثر شاخص حاصل سال ها عمر استاد زبیری است که خواننده در آن با تاریخ، آیین، سرگرمی ها و کلمات جزیره آشنا می شود. درباره این بزرگمرد نوشتن، برای من یک افتخار است به عنوان یک کنجکاو که در سراسر روستاهای هرمزگان قدم می زدم بی تعارف محمد زبیری یکی از تاثیرگذارترین افراد در استان هرمزگان است.

من و همکارانم بعد از آشنایی با ایشان مجموعه مستندی را آغاز کردیم با نام □ روستازادگان دانشمند □ که نام مجموعه را از جناب سعدی بزرگ قرض گرفتیم. این مستند های کوتاه نگاهی دارند به زندگی افرادی که روستاهای خود تحول ایجاد کردند. محمد زبیری عزیز همان پدر حکیمی است که با عمل خود به ما پند می دهد و سعدی درباره این دست انسان های بزرگ حکایتی دارد که می گوید:

حکیمی پسران را پند داد که جانان پدر هنر آموزید....

او به تنهایی و سختی موزه مردم شناسی دیرستان را راه اندازی کرد که هر ساله هزاران نفر از آنجا بازدید می کنند.

جناب زبیری از معتمدین جزیره است که هر جا که رود قدر ببیند و در صدر نشینند چون که هنر و اندیشه ژرف او چشمه زاینده و دولت پاینده است!

درب خانه او به روی عاشقان به فرهنگ و تاریخ، عارفانه باز است و سفر صمیمی او با رنگ و طعم ناب جنوب همیشه پهن. در سال های اخیر او سخت مشغول جمع آوری کلماتی است که در گذشته در جزیره استفاده می شد و این روزها در دست فراموشی است.

امیدواریم آثار او با کیفیت و دقت چاپ و در اختیار علاقمندان به تاریخ دریای پارس قرار گیرد.

در پایان با سعدی همراه شویم:

وقتی افتاد تنه ای در شام

هر کس از گوشه ای فرا رفتند

روستازادگان دانشمند

به وزیری پادشاه رفتند

پسران وزیر ناقص عقل

به گدایی به روستا رفتند.

قلب سبز آبی جزیره قشم



اقتصاد سرآمد - گروه فرهنگ دریا - محمود ابولی، دهیار روستای دیرستان - دیرستان که استاد زبیری روایتگر فرهنگ بومی و اصیل آن است، روستایی در آغوش جزیره قشم، همان جاست که زمین و دریا دست به دست هم می دهند تا آرام ترین تصویر از زندگی را بسازند. جمعیتش شاید حدود دو هزار و پانصد نفر باشد، اما قلبش بسیار بزرگتر از این هاست؛ قلبی که با مهربانی مردمش می تپد و با هر نسیمی که از سمت خلیج می وزد تازه می شود.

دیرستان را «قلب سبز آبی قشم» می نامند؛ لقبی که بی دلیل نیست. این روستا سرسبزترین نقطه جزیره است؛ جایی که نخل ها مثل نگهبانان همیشه سبز، در امتداد آسمان قد کشیده اند. دیرستان بیشترین تعداد نخل در سطح قشم را در خود جای داده و همین نخلستان های بی انتها، رنگ سبز زندگی را در دل جزیره پخش کرده اند. اما قصه سبزی دیرستان فقط به نخل هایش ختم نمی شود. زمین هایش نفس می کشند و سخاوتمندانه محصول می دهند. زراعت در این روستا از گذشته تا امروز قوی بوده و درختان انبه، انگور، انجیر، گارامزنگی، گووا، توت و بسیاری میوه های دیگر، مثل گنج های پنهان در دل باغ ها رشد می کنند. بوی میوه های رسیده در تابستان و سایه خنک درختان، آرامش کوجهای روستا را دوچندان می کند.

زندگی در دیرستان هنوز بوی دریا دارد؛ بوی صبح هایی که قایق ها رهسپار آب می شوند و عصرهایی که با غروب به ساحل برمی گردند. اینجا کودکان در کوچه های دل انگیز و زیبایی می دوند، پیرمردان قصه باد و بادبان را زمزمه می کنند، و هر رهگذری با مهربانی مردم، سهمی از آرامش می برد. دیرستان فقط یک روستا نیست، رویا و آرامشی ست که در دل جزیره جا خوش کرده. اگر روزی پا به قشم گذاشتی، قلب سبز آبش را از یاد نبر؛ جایی که زیبایی، سادگی و زندگی به شیرین ترین شکل کنار هم نشسته اند.

ویژه

میراث ناملموس

اقتصاد سرآمد



حافظه مشترک فرهنگی

«خلیج فارسی»

درباره استاد زبیری و ضرورت پاسداشت

«حاملان میراث زنده» جزیره تمدنی قشم

اقتصاد سرآمد - دکتر آتوسا مومنی - رییس مرکز مطالعات منطقه ای پاسداری از میراث فرهنگی ناملموس در آسیای غربی و مرکزی تحت نظارت یونسکو - «ملت ها تنها با سنگ ها و بناهایشان به گذشته پیوند نمی خورند؛ آنچه حافظه تاریخی یک سرزمین را زنده نگه می دارد، انسان هایی هستند که روایت ها، واژه ها، نغمه ها، آیین ها و شیوه های زیستن را نسل به نسل در جان خود حمل می کنند. آنان، یادگارهای زنده تاریخ اند؛ پل هایی انسانی میان گذشته، حال و آینده.»

در بزرگداشت برخی انسان ها، واژه ها دیگر تنها ابزار توصیف نیستند؛ بلکه به آیینی برای ادای احترام بدل می شوند. استاد محمد زبیری از همان تبار انسان هایی ست که باید درباره شان با زبان «حافظه»، «زیست»، و «پاسداری» سخن گفت؛ نه صرفاً با واژگان معمول شرح حال و زندگی نامه. او برای من، تنها یک پژوهشگر بومی یا گردآورنده فرهنگ عامه نیست؛ بلکه یکی از اصیل ترین «حاملان میراث زنده» در پهنه تمدنی خلیج فارس است؛ انسانی که دانش را نه در کتابخانه ها، بلکه در حرکت بادهای موسمی، در آواز دریانوردان، در واژگان فراموش شده جزیره، و در حافظه نسل های خاموش شونده آموخته است.

استاد زبیری، حافظه متحرک یک جغرافیاست.

او از آن انسان هایی ست که پیش از آنکه مفهوم «پاسداری از میراث فرهنگی ناملموس» در ادبیات جهانی تثبیت شود، خود زیستن پاسدارانه را برگزیده بود. سال ها پیش از آنکه جهان از ضرورت صیانت از دانش های بومی، روایت های شفاهی، موسیقی آیینی و واژگان در معرض زوال سخن بگوید، او با داستان خود، با رنج زیسته خود، و با ایمان عمیق خود به فرهنگ، مشغول نجات دادن حافظه جزیره بود.

اما اهمیت استاد محمد زبیری، تنها در پاسداری از فرهنگ بومی قشم خلاصه نمی شود. او را باید روایتگر پیوندهای تاریخی و فرهنگی جهان دریایی خلیج فارس، عمان و سواحل شرق آفریقا دانست؛

انسانی که به درستی دریافت میراث فرهنگی ناملموس، نه در مرزهای سیاسی امروز، بلکه در مسیرهای تاریخی رفت و آمد انسان ها، آوازهای دریانوردان، واژگان مشترک، آیین های معیشتی، و حافظه جمعی مردمان دریا شکل گرفته است.

ارزش کوشش های او تنها در گردآوری واژگان یا اشیای کهن نیست؛ بلکه



در بازشناسی و بازپیوند دادن شبکه ای از میراث های زنده ای ست که قرن ها میان بنادر، جزایر و سواحل خلیج فارس، عمان و شرق آفریقا در گردش بوده اند؛ میراث هایی مبتنی بر همزیستی، احترام متقابل، دادوستد فرهنگی، همدستی انسانی و اخلاق دریایی.

استاد زبیری به خوبی دریافته بود که بسیاری از عناصر فرهنگی این حوزه تمدنی، حاصل گفت و گوی تاریخی ملت ها هستند؛ گفت و گویی که نه بر پایه سلطه، بلکه بر بنیاد مبادله فرهنگی، مدارا، مشارکت و همزیستی شکل گرفته است.

از همین منظر، کوشش های او را می توان نمونه ای ارزشمند از پاسداری مردمی از میراث فرهنگی ناملموس در خدمت صلح، پیوستگی فرهنگی و توسعه پایدار دانست.

او با ثبت واژگان، روایت ها، موسیقی ها، آیین ها و شیوه های زیست دریایی، در حقیقت از «حافظه مشترک فرهنگی خلیج فارس» پاسداری کرده است؛ حافظه ای که امروز نیز می تواند الهام بخش گفت و گوی فرهنگی، نزدیکی ملت ها و تقویت فهم مشترک میان جوامع ساحلی منطقه باشد.

در روزگاری که امواج شتاب زده مدرنیته، بسیاری از ساحل های فرهنگی



در فرجام سخن، باید بر این نکته پای فشرده که صیانت از هویت قشم، بدون تکیه بر ظرفیت های بی پایان «میراث انسانی» ممکن نخواهد بود. تجربه مجاهدت های علمی امثال استاد زبیری به ما می آموزد که توسعه پایدار در جزیره، از مسیر پیوند فناوری مدرن با حکمت بومی می گذرد.

وظیفه ما امروز، فراتر از انبیه و یافته های پاسبانی از «جریان زندگی» و «دانش نهفته» در سینه این بزرگان حکیم و خردمند است؛ چرا که شکوفایی گردشگری و سربلندی فرهنگی جزیره تمدنی قشم در عرصه های جهانی، تنها در گرو زنده نگه داشتن همین ریشه های عمیق و اصیل است. باشد که با ارج نهادن به این میراث بانان راستین، چراغ هویت جزیره را برای نسل های آینده پرفروغ تر از همیشه نگاه داریم.

«میراث بان»

هویت بومی خلیج فارس

اقتصاد سرآمد - حبیب اله یادروز، سرپرست مدیریت میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری سازمان منطقه آزاد قشم - قشم تنها یک جزیره نیست؛ بلکه روایتی زنده از تلاقی تاریخ، فرهنگ، دریا و همزیستی خردمندانه انسان با طبیعت است. میراث فرهنگی این دیار، از دانش بومی لنج سازی و طبنجی موسیقی دریایی گرفته تا معماری اصیل، آیین ها، باورها و سبک زندگی «جزیرتی ها»، سرمایه ای بی بدیل برای آینده ایران است. صیانت از این میراث، نه تنها پاسداشت گذشته، بلکه ترسیم گر مسیر توسعه ای ریشه دار و هویت محور برای نسل های فردا خواهد بود.

روز جهانی موزه و هفته میراث فرهنگی، مجالی است برای یادآوری یک مسئولیت مشترک: «صیانت از اصالت و پویایی قشم برای آیندگان». شکوه فرهنگ بومی این جزیره، قرن ها بر شانه های زنان هنرمند و خالق رودوزی های ظریف، و مردان دریانوردی که پهنه آقیانوس ها را درنور دیده اند، حفظ شده و امروز در تجلی آیین های محلی پیش چشم ماست. بر این اساس، رسالت ما مدیران حوزه فرهنگ و سیاست گذاران صنعت گردشگری، در گام نخست، تکریم و پاسداشت «گنجینه های زنده بشری» این سرزمین است. در این میان، «استاد محمد زبیری»، موزه داری دغدغه مند و پژوهشگری نستوه، طی چند دهه اخیر همتی والا گماشت تا دارایی های فرهنگی و هویت بومی مردمان جزیره را که در آستانه فراموشی بود، در کتاب ارزشمند «گنز بپو» (کنج پدر بزرگ) ثبت و ضبط نماید. ایشان با گردآوری میراث ملموس در موزه مردم شناسی دیرستان و انتشار کتاب «گماش جزیره» (گماش یعنی مروارید)، به بخردورزی و شاعرانگی جامعه محلی، رنگی از اصالت و حکمت بخشید. استاد زبیری در آثار و گفتار خویش، علاوه بر رمزگشایی از سنن کهن مردمان جزیرتی، دریچه ای نو به جنبه های گوناگون و ناملموس بزرگترین جزیره خلیج فارس گشوده است.